

## ترازنامه ۵۰ روز جنگ در غزه

با گذشت ۵۰ روز از ۷ اکتبر، روزی که حماس گروه اسلام‌گرای فلسطینی حاکم بر غزه با گذر از مناطق مرزی جنوب اسرائیل با کشتن ۱۲۰۰ نظامی و غیرنظامی اسرائیلی و به اسارت گرفتن دستکم ۲۳۷ نفر، بهانه‌ای به دست رژیم نژادپرست و بی‌رحم اسرائیل داد که وحشیانه‌ترین کشتار مردم غزه را در دستور کار قرار دهد، گذشت.

در این فاصله بیش از ۱۴ هزار فلسطینی جان خود را از دست دادند، که تعداد زیادی از آن‌ها زن و کودک‌اند. رئیس صندوق جهانی کودکان، یونیسف، در سخنرانی اخیر خود در شورای امنیت سازمان ملل متحد گفت: "۵۳۰۰ کودک از هفتم اکتبر تاکنون در حملات اسرائیل به غزه کشته شده‌اند. ۴۰ درصد کل تلفات از کودکان بوده و این بی‌سابقه است." حدود چهار هزار تن از کشته‌ها نیز زن هستند. همچنین اعلام شده است، بیش از ۳۵ هزار نفر زخمی و هزاران تن نیز مفقود شده‌اند.

۴۶ هزار واحد مسکونی به‌کلی و ۲۳۴ هزار واحد دیگر بصورت جزئی تخریب شده و بیش از ۶۰ درصد منازل مسکونی آسیب‌دیده‌اند.

با توجه به خسارات سنگینی که تجاوز نظامی رژیم اسرائیل به غزه به بار آورده، تا این لحظه هزینه بازسازی غزه حدود ۵۰ میلیارد دلار تخمین زده شده است.

در این فاصله مردم ستمدیده غزه حتی از غذا، آب، سوخت و دارو نیز محروم شدند. ۱/۷ میلیون از ۲/۳ میلیون نفر ساکنان این منطقه آواره شده‌اند. مدارس و بیمارستان‌ها نیز از بیمارارن مصون نماندند. اکنون تنها ۱۰ بیمارستان از ۳۶ بیمارستان در غزه فعال هستند. آب و برق و سوخت قطع شد و ۲۰۵ نفر از کارکنان بهداشتی نیز جان خود را از دست دادند. ۶۴ روزنامه‌نگار کشته شدند. همچنین بر طبق گزارش‌های مؤسسات وابسته به سازمان ملل بیش از ۱۰۰ کارمند این سازمان جان خود را از دست داده‌اند.

در صفحه ۲

## دستگاه آدم‌کشی جمهوری اسلامی بازم جنایت کرد

۹

## "مادام که زنده هستی سخت کارکن، وقتی بازنشست شدی با زندگی وداع کن"



دست‌پخت جدید مجلس ارتجاع در روزهای پایانی آبان، یکبار دیگر نگاه طبقه حاکم نسبت به کارگر و انسان زحمتکش و جایگاه آن در نظام سرمایه‌داری را برملا ساخت. نظام سرمایه‌داری حاکم، صریح‌تر و روشن‌تر از همیشه هدف و نقشه خود را برای کار بیشتر و طولانی‌مدت تر طبقه کارگر و اشتباهی سیری‌ناپذیر خود برای کسب سود بیشتر، استثمار وحشیانه‌تر و انباشت

در صفحه ۳

## لایحه بودجه ۱۴۰۳، انقباضی برای توده مردم، انبساطی برای حاکمان

زحمتکشان دارد، می‌توان آشکارا دید که جمهوری اسلامی در لایحه بودجه با دستبندی بی‌سابقه به سفره‌های خالی کارگران، معلمان، بازنشستگان و دیگر زحمتکشان جامعه، می‌خواهد بار بحران مالی خود را تماماً بر دوش آن‌ها آوار کند. برای روشن‌تر شدن موضوع و این‌که چه چشم‌اندازی برای سال آینده متصور

در صفحه ۵

لایحه بودجه ۱۴۰۳ مصوب کابینه که بخش اول آن سه‌شنبه ۳۰ آبان‌ماه در رسانه‌های ایران انتشار یافت، یک پیام روشن دارد و آن این‌که جمهوری اسلامی سالی سیاه‌تر از سال سیاه کنونی برای کارگران و زحمتکشان جامعه تدارک دیده است.

با توجه به نقشی که بودجه در وضعیت اقتصادی و بویژه کیفیت زندگی و معیشت کارگران و

## جدال زنان علیه حجاب اجباری و استیصال جمهوری اسلامی

در صفحه ۱۰

## سایه اشغال‌گری اسرائیل و ارتجاع اسلامی بر زندگی زنان فلسطین

از هفتم اکتبر سال جاری که دور جدیدی از جنگ بین حماس و اسرائیل آغاز شد، بیش از یک میلیون و ۷۰۰ هزار تن از ساکنین نوار غزه آواره شده‌اند. این جنگ ارتجاعی تا کنون ۱۴ هزار کشته در غزه بر جای گذاشته که دو سوم کشته شدگان را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند. طبق آمار آژانس امدادسانی به آوارگان فلسطینی، طی هفته‌های گذشته و با آغاز بمب بارانهای اسرائیل، ۹۲۰ هزار تن از مردم ساکن غزه در ساختمان‌های تحت نظارت این آژانس

در صفحه ۷



## زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

## ترازنامه ۵۰ روز جنگ در غزه

اما تلفات اسرائیل در این مدت چه بوده است؟ دولت اسرائیل اعلام کرد که در حملات روز ۷ اکتبر در اسرائیل ۱۲۰۰ اسرائیلی از جمله بیش از ۳۱۰ سرباز کشته و ۵۱۳۲ نفر زخمی شدند. به گزارش خبرگزاری فارس، "سازمان بیمه رژیم، دوشنبه (روز ۴۵) در گزارشی اعلام کرد، کشته‌های نظامی و غیرنظامی ۱۱۴۷ نفر است. به این شکل که ۷۵۹ نفر غیرنظامی و ۳۲۰ نفر نظامی در روز اول عملیات طوفان الاقصی (۷ اکتبر - ۱۵ مهر) کشته شده‌اند و ۷۰ نظامی هم از زمان آغاز حمله زمینی." ارتش اسرائیل دو روز قبل از آتش‌بس اعلام کرد: از ۱۷ اکتبر تاکنون ۳۸۰ سرباز اسرائیلی کشته شده‌اند که ۵۹ نفر از آن‌ها در درگیری‌های غزه و ۶ نفر در مرز لبنان کشته شدند. تعداد سربازان کشته شده اسرائیلی در درگیری نوار غزه تا روز اعلام آتش‌بس به ۶۸ نفر رسید. یورش افسارگسیخته نظامی اسرائیل به غزه و تلفات سنگین مردم بی‌دفاع، به رغم حمایت دولت آمریکا و قدرت‌های اروپایی با توجیه دفاع از خود اسرائیل، از همان آغاز واکنش افکار عمومی جهان را برانگیخت. با افزایش کشتار مردم غزه زیر بمباران‌های مداوم و ویرانی‌های گسترده، اعتراضات جهانی علیه اسرائیل برای توقف جنگ گسترش یافت. در درون خود اسرائیل نیز مخالفت با ادامه جنگ به‌ویژه از سوی خانواده‌های اسرای اسرائیلی که با به راه انداختن کمپین «آن‌ها را به خانه بیاورید» خواستار آزادی فوری گروگان‌ها شدند و بالاخره فشار سازمان‌های بین‌المللی و اکثریت بزرگ دولت‌های جهان، سرانجام رژیم اسرائیل را واداشت که وقفه در جنگ را بپذیرد و با وساطت برخی دولت‌ها و مذاکرات پشت پرده، تعدادی از اسرای دو طرف نیز مبادله شوند. بنابراین از روز جمعه ۲۴ نوامبر (۴ آذر) توقف چهارروزه در جنگ به مرحله اجرا درآمد. مفاد این توافق، توقف پرواز هواپیماهای اسرائیلی به‌طور کامل در جنوب نوار غزه، توقف پرواز هواپیماهای اسرائیلی در شهر غزه و شمال نوار غزه به مدت ۶ ساعت در روز از ساعت ۱۰ صبح تا ۴ عصر، ورود روزانه ۲۰۰ کامیون حامل کمک‌های پزشکی، آب و غذا و ۴ کامیون گاز مایع سوخت و بالاخره آزادی ۵۰ اسیر اسرائیلی و در ازای آزادی هر اسرائیلی، ۳ زن و کودک فلسطینی اسیر در زندان‌های اسرائیل، اعلام شد. این توافق به مرحله اجرا گذاشته شده است. علاوه بر آزادی گروگان‌های اسرائیلی، حماس هم‌زمان ۱۱ کارگر تایلندی و یک فیلیپینی را نیز که در میان اسرا بودند، آزاد کرد. دولت اسرائیل می‌گوید ۲۳۷ نظامی و غیرنظامی در جریان حملات ۷ اکتبر، توسط حماس اسیر شده‌اند. بر اساس برآورد اسرائیلی‌ها تعداد

کل زنان و کودکان گروگان گرفته شده توسط حماس، کمتر از ۸۰ نفر است که ۳۳ نفر آن‌ها کودکانند. تعدادی از شهروندان کشورهای دیگر هم جزء گروگان‌ها هستند. این در حالی است که هم‌اکنون هزاران فلسطینی که اغلب آن‌ها هیچ وابستگی به گروه‌های اسلام‌گرا ندارند، صرفاً به خاطر شرکت در تظاهرات و پرتاب سنگ به‌سوی نظامیان ارتش اشغالگر اسرائیل به سال‌ها حبس محکوم شده و اسیر دولت اسرائیل‌اند. گزارش‌های خبرگزاری‌ها از تعداد فلسطینیان زندانی حاکی است که قبل از ۷ اکتبر، حدود ۵ هزار و ۲۰۰ فلسطینی در زندان‌های اسرائیل اسیر بودند. از آن زمان تا به امروز حداقل ۳ هزار فلسطینی دیگر نیز دستگیر شده‌اند. به گفته گروه‌های حقوق بشری، حداقل ۱۴۵ نفر از این زندانیان کودک و ۹۵ نفر زن هستند. ارتش اسرائیل اما می‌گوید از زمان شروع جنگ اخیر بیش از هزار و ۸۵۰ فلسطینی را در کرانه غربی به ظن همکاری با حماس بازداشت کرده است. بنابراین آزادی تعدادی از فلسطینی‌های اسیر در زندان‌های اسرائیل رقمی بسیار ناچیز است. آتش‌بس موقت تا جایی که به اهداف رژیم اسرائیل مربوط می‌شود، به هیچ‌وجه از زاویه کاستن از رنج و عذاب مردم غزه صورت نگرفته است. همان‌گونه که گفته شد، کابینه نتانیاو زیر فشار سیاسی داخلی و بین‌المللی قرار دارد. مردم اسرائیل نتانیاو و کابینه‌اش را به علت ناتوانی در پیش‌بینی حمله حماس مقصر کشته و اسیر شدن اسرائیلیان می‌دانند و خانواده‌های اسرا خواهان آزادی فوری آن‌ها هستند. در همین حال وحشی‌گری نظامی اسرائیل در غزه، افکار عمومی جهانی را شدیداً علیه اسرائیل و جنایات آن برانگیخته است. بنابراین دولت اسرائیل با این آتش‌بس موقت می‌کوشد از درجه این فشارهای سیاسی بکاهد. علاوه بر این، آتش‌بس موقت نفع دیگری هم برای اسرائیل دارد. به ارتش اسرائیل فرصت استراحت برای حملات بعدی و تأمین سلاح و مهمات از دست‌رفته را برای ادامه جنگ و گسترش آن به جنوب غزه می‌دهد. ارتش اسرائیل هنوز تمام شمال غزه را اشغال نکرده است. روز سه‌شنبه هفته گذشته بود که جبالیه و بیمارستان اندونزی را که در نزدیکی آن قرار دارد، محاصره کرد. علاوه بر این، ارتش اسرائیل خود را برای حمله به جنوب غزه آماده می‌کند و هم‌اکنون به‌ویژه روی شهر خان یونس متمرکز شده است. خلاصه این‌که وقفه در جنگ، فرصت سازمان‌دهی برای حملات بیشتر را نیز به ارتش اسرائیل می‌دهد. البته حماس هم سعی می‌کند از این آتش‌بس به نفع خود برای درگیری‌های آتی استفاده کند، گرچه چشم‌اندازی برای مقاومتی درازمدت را ندارد.

اما بعد چه؟ دوشنبه این هفته، آخرین روز آتش‌بس موقت است. نتانیاو اعلام کرده است که مایل است این آتش‌بس را بیشتر از دوره چهارروزه تمدید کند، به شرطی که به ازای آزادی هر ۱۰ گروگان دیگر توسط حماس، یک روزبه آتش‌بس اضافه خواهد کرد! عجب معامله‌ای!

در حال، این احتمال منتهی نیست که وقفه‌های دیگری برای آزادی اسرای اسرائیلی و مبادله آن‌ها با تعدادی از زندانیان فلسطینی شکل بگیرد، اما آلام مردم غزه پایان نخواهد یافت. نه صرفاً از زاویه فجایی که تاکنون با آن مواجه بوده‌اند، بلکه به این علت که رژیم اسرائیل در نظر دارد به بهانه نابودی حماس، غزه را کاملاً به اشغال خود درآورد و این یعنی ادامه جنگ.

این را سران دولت اسرائیل پنهان نکرده‌اند. نتانیاو اعلام کرده است "که توقف درگیری‌ها، موقتی است. این توافقات به معنای پایان جنگ در غزه نخواهد بود و ارتش این کشور به جنگ پایان نمی‌دهد. اسرائیل، سربازان، تانک‌ها، خودروهای زرهی و سایر زیرساخت‌های نظامی خود را از غزه خارج نخواهد کرد. جنگ ادامه خواهد داشت تا زمانی که ما به تمام اهداف خود که نابودی حماس و بازپس‌گیری همه گروگان‌هایمان است، دست‌یابیم. در روز بعد از جنگ، تضمین خواهد شد که هیچ عنصری که از تروریسم حمایت می‌کند، بر غزه حکومت نخواهد کرد." اما ادامه جنگ یعنی بمباران روزمره غزه، مرگ تعداد دیگری از غیرنظامیان، نابودی مساکن آن‌ها، نابودی باقی‌مانده زیرساخت‌ها و امکانات عمومی مردم، افزوده شدن بر تعداد آوارگان، محروم شدن بیشتر مردم از غذا، آب، سوخت، امکانات درمانی.

نتان یاو که زمانی سلطه حماس بر غزه را برگ برنده اسرائیل در ایجاد شکاف در جنبش فلسطین و تضمینی بر امنیت و تداوم اشغالگری اسرائیل می‌دانست، اکنون با جنگ‌افروزی و کشتار مردم غزه، ادعای نابودی حماس را دارد. حماس اما با وحشی‌گری که در جریان حمله ۷ اکتبر با کشتن و به اسارت گرفتن غیرنظامیان، از جمله زنان و کودکان اسرائیلی به راه انداخت و بهانه به دست صهیونیست‌های نژادپرست برای حمله وحشیانه به غزه داد، از نظر سیاسی کاملاً شکست خورد و از نظر نظامی نیز هم‌اکنون شکست‌خورده است، اما نابودی امثال حماس و جهاد، حتی با اشغال تمام غزه، مادام که سیاست نژادپرستانه و اشغال‌گرانه ادامه دارد، محال است. این گروه‌ها ولو ضعیف با حمایت رژیم‌هایی از قماش جمهوری اسلامی می‌توانند با تغییر تاکتیک به حیات خود ادامه دهند. هدف اصلی نتانیاو و کابینه نژادپرست او اما چیز دیگری است. اشغال غزه و آواره کردن تمام مردم آن. اسرائیل می‌خواهد با غزه اشغال شده چه کند؟ چگونه "تضمین خواهد شد که هیچ عنصری که از تروریسم حمایت می‌کند، بر غزه حکومت

## "مادام که زنده هستی سخت کارکن، وقتی بازنشست شدی با زندگی وداع کن"



موضوع بازتاب بسیار گسترده‌ای یافت و مخالفت شدیدی را نیز در پی داشته است.

در قانون بازنشستگی کنونی کسانی که ۳۰ سال تمام کارکرده و حق بیمه پرداخته باشند در صورتی که سن مردان ۵۰ سال و سن زنان ۴۵ سال تمام باشد می‌توانند تقاضای مستمری بازنشستگی کنند. (تبصره ۱ ماده ۲ قانون بازنشستگی) در مصوبه جدید مجلس اما ۴۲ سال و ۶ ماه کار و پرداخت حق بیمه الزامی است. کارگری که به فرض ۱۰ سال سابقه کار دارد و مطابق قانون فعلی بازنشستگی می‌توانست بعد از ۲۰ سال دیگر (۳۰ سال سابقه کار) بازنشست شود، بر طبق مصوبه جدید مجلس باید ۲۸ / ۳ سال دیگر، یعنی ۳ / ۸ سال بیشتر از سقف کنونی برای سرمایه‌دار کار کند. در جدول زیر سابقه کار لازم برای بازنشستگی کارگر با توجه به سابقه کار فعلی وی مشخص شده است.

(جدول)

بیشتر سرمایه، بی‌هیچ پردپوشی و تعارفی بیان کرد. مجلس ارتجاع در اجرای همین امیال و اهداف روز یکشنبه ۲۸ آبان ۱۴۰۲ در جریان بررسی گزارش کمیسیون تلفیق لایحه برنامه هفتم توسعه، سن بازنشستگی را افزایش داد. مطابق مصوبه مجلس از سال ۱۴۰۳ هر کارگر و یا هر فردی که تازه‌کاری را آغاز کند - البته اگر بتواند اولاً کاری پیدا کند و ثانیاً بیمه هم داشته باشد- باید ۴۲ سال و ۶ ماه کار کند که بتواند بازنشست شود و حقوق کامل بازنشستگی دریافت کند. مطابق این مصوبه سن بازنشستگی برای مردان به ۶۲ سال و برای زنان به ۵۵ سال افزایش یافته است.

بر اساس مصوبه مجلس: "بیمه پردزانی که ۲۸ تا ۳۰ سال سابقه خدمت دارند به سنوات اشتغال آن‌ها برای بازنشستگی اضافه نمی‌گردد؛ بیمه پردزانی که ۲۵ تا ۲۸ سال سابقه خدمت دارند به سنوات اشتغال آنان به ازای هر سال تا زمان بازنشستگی دو ماه اضافه می‌گردد؛ بیمه پردزانی که ۲۰ تا ۲۵ سال سابقه خدمت دارند به سنوات اشتغال آنان به ازای هر سال تا زمان بازنشستگی سه ماه اضافه می‌گردد؛ بیمه پردزانی که مطابق قوانین ۱۰ تا ۲۰ سال سابقه خدمت دارند به سنوات اشتغال آنان به ازای هر سال تا زمان بازنشستگی چهار ماه اضافه می‌گردد؛ و بیمه پردزانی که مطابق قوانین تا ۱۰ سال سابقه خدمت دارند به سنوات اشتغال آنان به ازای هر سال تا زمان بازنشستگی پنج ماه اضافه می‌گردد."

هدف طبقه حاکم و مجلس آن از طرح بی‌سروصدای موضوع مهم بازنشستگی توأم با ابهام و پیچیده سازی نحوه و یا شرایط بازنشستگی و سرانجام طرح موضوع در حاشیه موضوعات دیگر، همه برای آن بود و هست که این طرح، بدون آنکه ابعاد و تأثیرات فاجعه‌بار آن در زندگی شاغلان و بازنشستگان روشن شود، هرچه زودتر و بی‌سروصدا تصویب و اجرایی شود. اما این تلاش مذبحانه طبقه حاکم توفیقی در برداشت. صرف‌نظر از نحوه طرح موضوع و تا حدی پیچیدگی شرایط بازنشستگی اما حرف صریح طبقه حاکم این است که بازنشستگی زمانی میسر است که ۴۲ سال و ۶ ماه کارکرده باشی و حق بیمه و بازنشستگی پرداخته باشی. هرچقدر هم پنهان‌کاری و ابهام گویی، اما این چیزی نبود که بواشکی بتوان آن را مطرح نمود و پیشبرد. درست برعکس، این

به‌عنوان حق بیمه و سنوات بازنشستگی پرداخت کند. میدانیم که در اداره اکثر صندوق‌های بازنشستگی و بزرگترین آن‌ها، دولت و مدیران دولتی نقش محوری دارند. در جریان اداره و سرمایه‌گذاری‌های صندوق‌های بازنشستگی از محل اندوخته کارگران و کارکنان، سرمایه‌داران و مدیران دولتی سودهای حاصله را به جیب می‌زنند، اموال و دارایی‌های این صندوق‌ها را غارت می‌کنند. افزایش اندوخته کارگران در صندوق‌های بازنشستگی، به یک تعبیر به معنای افزایش پولی است که دست‌اندرکاران این صندوق‌ها در سرمایه‌گذاری‌ها و غارت و استثمار مجدد کارگران از آن استفاده می‌کنند. اما این هنوز تمام فوایدی نیست که از افزایش

تغییرات در سابقه بازنشستگی طبق قانون جدید در برنامه هفتم توسعه			
سابقه کار فعلی کارگر	سابقه کار لازم برای بازنشستگی	سابقه کار فعلی کارگر	سابقه کار لازم برای بازنشستگی
۰ سال	۴۲٫۵ سال	۱۶ سال	۳۴٫۷ سال
۱ سال	۴۲٫۱ سال	۱۷ سال	۳۴٫۳ سال
۲ سال	۴۱٫۷ سال	۱۸ سال	۳۴ سال
۳ سال	۴۱٫۳ سال	۱۹ سال	۳۳٫۷ سال
۴ سال	۴۰٫۸ سال	۲۰ سال	۳۳٫۳ سال
۵ سال	۴۰٫۴ سال	۲۱ سال	۳۲٫۳ سال
۶ سال	۴۰ سال	۲۲ سال	۳۲ سال
۷ سال	۳۹٫۶ سال	۲۳ سال	۳۱٫۸ سال
۸ سال	۳۹٫۲ سال	۲۴ سال	۳۱٫۵ سال
۹ سال	۳۸٫۸ سال	۲۵ سال	۳۱٫۳ سال
۱۰ سال	۳۸٫۳ سال	۲۶ سال	۳۰٫۷ سال
۱۱ سال	۳۶٫۳ سال	۲۷ سال	۳۰٫۵ سال
۱۲ سال	۳۶ سال	۲۸ سال	۳۰ سال
۱۳ سال	۳۵٫۷ سال	۲۹ سال	۳۰ سال
۱۴ سال	۳۵٫۳ سال	۳۰ سال	۳۰ سال
۱۵ سال	۳۵ سال		

سن بازنشستگی نصیب سرمایه‌داران می‌شود. با افزایش سن بازنشستگی، کارگر شاغل در همان حال که مبلغ بیشتری برای بیمه و سنوات بازنشستگی می‌پردازد، در واقع دیرتر وارد مرحله بازنشستگی و دریافت حقوق و مستمری بازنشستگی می‌شود. افزون بر این افزایش سن

اما افزایش سن بازنشستگی به‌طور دقیق و روشن به چه معناست؟ به این معناست که کارگر سال‌های بیشتری باید برای سرمایه‌دار کار کند، اضافه ارزش تولید کند و بر سود و سرمایه‌ی سرمایه‌دار بیفزاید. افزایش سن بازنشستگی در عین حال به این معناست که به نسبت افزایش سقف سن بازنشستگی، کارگر باید مبالغ بیشتری

## "مادام که زنده هستی سخت کارکن، وقتی بازنشست شدی با زندگی وداع کن"



روشن است. تازمانی که زنده هستید باید کار کنید و فقط زمانی می‌توانید بازنشست شوید و استراحت کنید که چشم از جهان فروبندید. از نگاه بورژوازی کارگران یا باید کار و تولید کنند یا اگر کار و تولید نمی‌کنند، جمعیت مازاد بر نیاز سرمایه‌داری محسوب می‌شوند و باید کنار گذاشته شوند. چرا باید کنار گذاشته شوند؟ چون دیگر منبع تولید ارزش نیستند و برای سرمایه‌دار سود و فایده‌ای ندارند. و نه فقط این، بلکه مصرف‌کننده بخشی از ارزش اضافه‌تولید شده نیز هستند. این است نگاه و حرف صریح بورژوازی به کارگر شاغل و بازنشسته. این است مضمون و ماهیت اصلی مصوبه مجلس ارتجاع!

در روز بعد از این مصوبه و تهاجم آشکار طبقه سرمایه‌دار حاکم به حقوق کارگر شاغل و بازنشسته، مجلس ارتجاع فیل دیگری نیز هوا کرد و طرحی را نه برای همسان‌سازی حقوق بازنشستگان، بلکه به منظور سرگردانی و سرکار گذاشتن میلیون‌ها بازنشسته سرهم‌بندی و تصویب کرد.

در نشست علنی صبح روز سه‌شنبه ۳۰ آبان مجلس ارتجاع، ایضاً در جریان بررسی جزئیات لایحه برنامه هفتم توسعه، با بند الحاقی (یک) ماده ۲۹ این لایحه درباره همسان‌سازی حقوق بازنشستگان با ۲۰۲ رأی موافق، ۲ رأی مخالف و ۶ رأی ممتنع از مجموع ۲۲۴ نماینده حاضر در جلسه موافقت شد. این مصوبه وعده می‌دهد از آغاز اجرای برنامه هفتم توسعه، در یک بازه زمانی سه‌ساله مستمری بازنشستگان را به ۹۰ درصد حقوق شاغلان برساند. این افزایش از سال ۱۴۰۳ در سال اول معادل ۴۰ درصد و در سال‌های دوم و سوم هرکدام ۳۰ درصد خواهد بود.

درحالی‌که بازنشستگان به‌ویژه بازنشستگان تأمین اجتماعی، کشوری، فولاد، معدن و برخی رشته‌های دیگر در چند سال اخیر پیگیرانه خواهان افزایش حقوق و مستمری دست‌کم متناسب با نرخ تورم واقعی بوده‌اند و در سال جاری نیز روزهای مختلف هر هفته با شعارهای گوناگون از جمله شعار "اجرای همسان‌سازی، بدون حق‌بازی" در کف خیابان دست به تجمع و اعتراض زده‌اند، اما نه مجلس نه دولت وقعی به این خواست‌ها نگذاشته‌اند. "نه مجلس نه دولت، نیستند به فکر ملت". اکنون که استمرار مبارزات بازنشستگان به‌ویژه با ورود بازنشستگان صنعت نفت وارد مرحله پیشرفته‌تری شده و نطفه‌های اولیه اتحاد میان شاغلان و بازنشستگان بسته‌شده و نوعی از هماهنگی اولیه میان بازنشستگان رشته‌های مختلف درحال شکل‌گیری است، مجلس ارتجاع با یک وعده نیم‌بند سرخرمن، که تازه مورد اعتراض افراد کابینه هم هست، پا به میدان گذاشته تا به خیال خود این مبارزات را از جوش‌وخروش ببندازد و با وعده توخالی، خیابان را از حضور بازنشستگان خالی کند.

اما این خواب‌خیالی بیش نیست. چراکه میلیون‌ها بازنشسته همین امروز خواهان افزایش حقوق و مستمری هستند نه سه سال دیگر. مجلس با این مصوبه خود به فرض آنکه از تصویب نهایی

بازنشستگی در واقع کوتاه کردن دوره استفاده از حقوق بازنشستگی و در اساس کوتاه کردن دوران زندگی بعد از بازنشستگی است. تمام این تغییرات انحصاراً به سود طبقه سرمایه‌دار و به زیان کارگران و زحمتکشان شاغل و بازنشسته است.

پوشیده نیست که تمام هم‌وغم طبقه سرمایه‌دار، مجلس و دولت حامی و حافظ منافع این طبقه آن است که کارگر را تا مرزهای ممکن استثمار کند، تا آخرین قطره، شیره جانش را بمکد و پس از استثمار تام و تمام و غارت تمام دوران جوانی و میان‌سالی کارگر، در دوره سالخوردگی و هنگامی‌که دیگر خونی در رگ‌ها باقی نمانده و نیرویش برای کار و استثمار به مراحل پایانی نزدیک شده است، کارگر را مانند شیئی کهنه و فرسوده و بی مصرف، مانند یک قطعه ابزار زنگزده و شکسته به گوشه‌ای درون اشپای اسفاطی پرتاب کند.

ظاهراً بهانه مصوبه مجلس وضعیت بحرانی صندوق‌های بازنشستگی است که اغلب آن‌ها دچار ورشکستگی شده و شماری نیز در آستان ورشکستگی هستند. اقتصاددان‌های حکومتی نیز از "ابر بحران" در صندوق‌های بازنشستگی نامبرده‌اند که دولت نقش اصلی را در آن داشته است. سال‌هاست که دولت و مدیران دولتی چون اختاپوس بر اکثر این صندوق‌ها و اندوخته کارگران و زحمتکشان چنگ انداخته‌اند. مدیران دولتی که در اداره اغلب این صندوق‌ها نقش تعیین‌کننده داشته‌اند، در سرمایه‌گذاری‌ها، حساب‌سازی‌ها تا جایی که توانسته‌اند اموال، دارایی‌ها و اندوخته بازنشستگان را دزدیده و غارت نموده‌اند. کار به‌جایی رسیده است که بزرگترین این صندوق‌ها نیز به‌رغم سرمایه‌های هنگفت و سرمایه‌گذاری‌های کلان ورشکست شده‌اند. ورودی این صندوق‌ها با خروجی آن هم‌تراز نیست. ابعاد دزدی و غارت و حیف‌ومیل اندوخته کارگران و زحمتکشان بسیار گسترده و دولت در ایجاد این بحران و نا هم‌ترازی نقش اصلی را داشته است. برای نمونه در مورد صندوق بازنشستگی تأمین اجتماعی، سال‌هاست که دولت بزرگترین بدهکار به سازمان تأمین اجتماعی است. سهمیه‌ای را که باید برای بیمه کارگران و کارمندان شرکت‌های دولتی بپردازد، پرداخت نکرده است. بسیاری از کارخانه‌ها، مؤسسات صنعتی سود ده را که باقیمت‌های پایین از سازمان تأمین اجتماعی خریده، پول آن را نپرداخته است. این‌ها فقط یکی دو نمونه از ۶۷ مورد بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی است. بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی بالغ بر ۸۵۰ هزار میلیارد تومان است. این‌ها همه اموال و دارایی‌ها و اندوخته کارگران است که توسط دولت به یغما رفته است. طبقه حاکم ظاهراً تصمیم گرفته کسر و کمبود و نا هم‌ترازی صندوق‌های بازنشستگی را از جیب کارگران و باکار مضاعف کارگران و زحمتکشان و استثمار بیشتر طبقه کارگر جبران کند. معنای مصوبه مجلس و افزایش سن بازنشستگی، جز تشدید استثمار و ادامه آن تا آخرین روزهای حیات کارگر نیست. پیام طبقه حاکم به کارگران بسیار

شورای نگهبان بگذرد بازنشستگان را به ۳ سال بعد حواله می‌دهد که معلوم نیست چند درصد بازنشستگان امروز در قید حیات باشند. با وعده توخالی دیگر نمی‌توان میلیون‌ها بازنشسته و مستمری‌بگیر را ساکت نمود. بازنشسته بیدار است و از تبعیض و نابرابری و حق‌کشی و وعده توخالی به‌شدت بیزار است. بازنشستگان از یاد نبرده‌اند که طی مبارزات خود در سال ۱۴۰۰ دولت وعده داد همسان‌سازی را از اول سال ۱۴۰۱ اجرا کند که اجرا نکرد. وعده‌های جدید ادامه همان وعده‌های توخالی پیشین است.

بازنشستگان تأمین اجتماعی، کشوری و سایر بازنشستگان همین امروز خواهان اجرای همسان‌سازی و افزایش مستمری و حقوق بازنشستگی هستند به‌نحوی‌که دریافتی‌ها بالای خط فقر باشد. شاغلان و بازنشستگان همین امروز خواهان لغو مصوبه مجلس در خصوص افزایش سن بازنشستگی هستند. روشن است که بازنشستگان و شاغلان که درحال حاضر نیز در تنگنای شدید معیشتی به سر می‌برند و زیر شدیدترین فشارهای اقتصادی و اجتماعی کمر خم کرده‌اند، بیش از این به طبقه حاکم و نهادها و ارگان‌های حکومتی اجازه نخواهند داد حقوقشان را پایمال کنند و علیه این تعرضات و شرایط تحمیلی دست به اعتراض می‌زنند و بر شدت مبارزات و اعتراضات خویش خواهند افزود.

نیازی به توضیح نیست که اگر جلو تعرضات طبقه حاکم را به سطح حقوق و معیشت کارگران و زحمتکشان از جمله بازنشستگان نگیریم و این طبقه را عقب نرانیم، ارتجاع و کل طبقه حاکم بر تعرضات خویش و تضییع بیش‌ازپیش حقوق کارگران و بازنشستگان خواهند افزود. در لحظه کنونی بیش از هر زمانی اتحاد کارگران شاغل در بخش‌های مختلف و نیز اتحاد میان شاغلان و بازنشستگان به یک امر مبرم و فوری تبدیل شده است. علیه مصوبه مجلس و افزایش سن بازنشستگی و برای الغای آن و همچنین برای اجرای همسان‌سازی حقوق، باید به‌طور گسترده دست به اعتراض زد. بازنشستگان و کارگران شاغل در تجمعات خود با طرح شعارهایی چون "مصوبه مجلس، بر ضد بازنشسته، ملغی باید گردد"، "مجلس ارتجاعی حیا کن، بازنشسته را رها کن"، "بازنشسته بیدار است، از حق‌کشی بیزار است"، "شاغل و بازنشسته، تجمع مشترک برپا باید گردد، مصوبه مجلس ملغی باید گردد"، "وعده‌های توخالی دوی درد ما نیست، اجرای همسان‌سازی خواسته فوری ماست" و شعارهایی نظیر آن باید علیه این تعرض و تلاش طبقه حاکم برای تحمیل شرایطی خفت‌بارتر به اعتراض برخیزند و این نقشه طبقه سرمایه‌دار حاکم را نقش بر آب کنند.

## لایحه بودجه ۱۴۰۳، انقباضی برای توده مردم، انبساطی برای حاکمان

است، در این‌جا به بررسی برخی از خطوط مهم لایحه بودجه - تا آن‌جا که انتشار یافته است - می‌پردازیم.

مقامات جمهوری اسلامی و رسانه‌های مزدور آن با انتشار لایحه بودجه، وقیحانه از انقباضی بودن آن، "مدیریت هزینه‌ها" و تاثیرش بر کاهش تورم نوشتند و سخن گفتند. واقعیت اما این است که لایحه بودجه نه تنها تاثیر مثبتی در کاهش تورم نخواهد داشت، بلکه به تشدید بیشتر رکود اقتصادی و فقر و بیکاری و بالاخره تورم منجر خواهد شد. در ابتدا لازم به توضیح می‌باشد که بحران اقتصادی رکود - تورمی در ایران یک بحران ساختاری است و در طول این سال‌ها آن‌چنان ریشه دوانده که لازمه مهار آن، سلسله اقدامات مشخص و رادیکال اقتصادی است که هیچ جناحی از بورژوازی ایران قادر به انجام آن‌ها نیست. برای نمونه ملی کردن تجارت خارجی، بانک‌ها و دیگر بنگاه‌های مالی همچون شرکت‌های بیمه تنها یکی از این اقدامات است که تازه همین اقدام نیز به تنهایی نمی‌تواند بحران اقتصادی ساختاری موجود را حل کند، اما در همین محدوده نیز هیچ جناحی از طبقه سرمایه‌دار حاکم نه قادر به انجام این کار است و نه حاضر به انجام آن. نکته بسیار مهم این است که در شرایط کنونی اقتصادی، اتخاذ هر سیاستی در چارچوب نظم حاکم، نه فقط نتیجه‌ای نخواهد داشت، بلکه در عمل نتایج معکوس به همراه خواهد آورد. علت آن نیز روشن است، هیچ‌کدام از این سیاست‌ها به ریشه‌های بحران ورود نمی‌کنند.

در حقیقت "بودجه انقباضی" اسم رمز انداختن بحران مالی جمهوری اسلامی بر دوش کارگران و زحمتکشان است. درست است که سقف بودجه نسبت به سال گذشته حدود ۱۸ درصد افزایش یافته و این میزان هم نسبت به تورم سال‌جاری بسیار کمتر است و هم نسبت به میزان افزایش بودجه ۱۴۰۲ که حدوداً سه برابر این رقم افزایش یافته بود. اما موضوع مهم این است که بودجه در کدام بخش‌ها "انقباضی" است؟! تاکنون جداول اصلی بودجه انتشار نیافته‌اند. جداولی که بودجه وزارتخانه‌ها و دیگر بودجه‌گیران در آن مشخص می‌شود، اما تا این‌جای کار مشخص است که در بخش نظامی، لایحه بودجه اتفاقاً کاملاً انبساطی تنظیم شده است.

براساس این لایحه ۱۳۴ هزار میلیارد تومان تنها برای تقویت بنیه نظامی در نظر گرفته شده و تمام این پول نیز قرار است از فروش نفت تامین شود. بدیهی‌ست که در شرایط سیاسی کنونی (هم در عرصه‌ی خارجی و هم در عرصه‌ی داخلی) بودجه بخش نظامی و دیگر دستگاه‌هایی که در سرکوب توده‌ها نقش دارند، مانند سال گذشته از افزایش قابل توجه‌ای برخوردار شوند. برای نمونه در لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ که در اوج اعتراضات توده‌ای تصویب شد، بودجه سازمان زندان‌ها به تنهایی ۳۵۰ درصد از مجموع بودجه ۵ دانشگاه بزرگ کشور بیشتر بود. این را هم در نظر داشته باشیم که بودجه سالانه تنها یکی از راه‌های تامین هزینه‌های نظامی رژیم است.

شرکت‌های دولتی و بنگاه‌های تحت تسلط خامنه‌ای از دیگر منابع تامین هزینه‌های نظامی رژیم می‌باشند.

بنابراین بودجه انقباضی به‌طور واقعی حقوق‌ها و وزارتخانه‌ها و سازمان‌هایی همچون آموزش و پرورش، آموزش عالی، بهداشت و درمان، محیط زیست و مانند آن و یا بودجه عمرانی را شامل می‌شود. بدیهی‌ست که با چنین سیاستی هیچ‌کدام از معضلات مردم ایران کمتر خواهد شد که بیشتر نیز می‌شوند. نه مشکل کلاس‌های خالی از معلم حل خواهد شد و نه معضل کمبود پرستار، چرا که با عنوان مضحک "مدیریت هزینه‌ها" نه معلمی استخدام خواهد شد و نه پرستاری. این نکته نیز مهم است که با توجه به نقش دولت در اقتصاد، بودجه عمرانی می‌تواند در کاهش رکود و بیکاری نقش ایفا کند، اما به بهانه‌ی کسری بودجه تقریباً هیچ‌گاه بودجه‌های عمرانی به‌طور کامل اختصاص نیافته‌اند. از این هم بگذریم که در ساختار فاسد حکومتی، بخش قابل توجه پولی که بابت پروژه‌های عمرانی اختصاص می‌یابد، توسط مقامات و مدیران دولتی به یغما می‌رود.

براساس این لایحه، حقوق شاغلین ۱۸ درصد و بازنشستگان ۲۰ درصد افزایش می‌یابد که حتا به نصف نرخ تورم رسمی (و نه واقعی) نمی‌رسد. در رابطه با افزایش ۱۸ درصدی و ۲۰ درصدی حقوق شاغلین و بازنشستگان باید این نکته را نیز اضافه کرد که در عمل گروه‌هایی از آن‌ها حتا کمتر از این میزان افزایش حقوق خواهند داشت. برای نمونه شاغل یا بازنشسته‌ای که در سال‌جاری دریافتی آن ۹ میلیون تومان است، از دادن مالیات معاف می‌باشد. براساس بودجه ۱۴۰۲ حقوق تا سقف ۱۰ میلیون تومان مالیات معاف شده بود. در بودجه سال جاری نیز سقف معافیت مالیاتی همان ۱۰ میلیون تومان باقی مانده است. بنابراین شاغل یا بازنشسته‌ای که ۹ میلیون تومان دریافت می‌کند با افزایش ۱۸ یا ۲۰ درصدی، بالای ۱۰ میلیون حقوق می‌گیرد و بنابراین باید ۱۰ درصد از حقوق خود را در سال ۱۴۰۳ مالیات بدهد. برای نمونه شاغلی که ۹ میلیون تومان حقوق می‌گرفت در سال آینده با افزایش ۱۸ درصدی حقوق و سپس دادن ۱۰ درصد مالیات، ۹ میلیون و ۵۵۸ هزار تومان دریافت خواهد کرد. یعنی ۶/۲ درصد حقوق او اضافه خواهد شد و نه ۱۸ درصد، آن هم در حالی که نرخ رسمی تورم هم اکنون حدود ۴۵ درصد است. در صورت تصویب این بند از لایحه بودجه، تنها در طول دو سال اخیر آن‌هم براساس نرخ رسمی تورم، قدرت خرید حقوق‌گیران ۳۵ درصد و براساس نرخ تورم در محدوده‌ی واقعی، به کمتر از نصف دو سال قبل کاهش خواهد یافت.

این واقعیت را همواره باید در نظر داشت که نرخ رسمی تورم با نرخ واقعی تورم بسیار فرق دارند و حتا برخی از رسانه‌ها و مقامات حکومتی بارها به آن اعتراف کرده و گزارشات بانک مرکزی و مرکز آمار را رقم‌سازی عنوان کرده‌اند. برای مثال سایت "اگو ایران" ۲۷ اردیبهشت نرخ تورم نقطه‌ای فروردین را ۶۸.۷٪

درصد اعلام کرده بود.

در لایحه بودجه ۱۴۰۳ برای واردات کالاهای اساسی، دارو و تجهیزات پزشکی، ۱۳/۵ میلیارد یورو در نظر گرفته شده است. این مبلغ برابر است با میزان درآمد پیش‌بینی شده دولت از فروش نفت و گاز. از فروش نفت و گاز، ۴۰ درصد به حساب صندوق توسعه ملی ریخته می‌شود که تمام اختیارات آن در دست خامنه‌ای است. به عبارت دیگر ۴۰ درصد درآمد نفتی مستقیماً به جیب خامنه‌ای می‌رود تا هر طور که بخواهد خرج کند. مثلاً نام این فلک خامنه‌ای را "صندوق توسعه ملی" گذاشته‌اند، اما از زمان تاسیس تا کنون این صندوق کدام گام را برای "توسعه" برداشته است؟! توسعه را اصلاً بگذاریم کنار، کدام گام برای جلوگیری از فاجعه زیست‌محیطی که کشور را تهدید می‌کند، برداشته است؟! دریاچه ارومیه یکی از برجسته‌ترین نمادهای این معضل بزرگ است. اما درآمدهای نفتی که به صندوق توسعه ملی می‌ریزد، یا خرج می‌بلعد. این‌جا بحث یک انتخاب است. یا باید دریاچه ارومیه را نجات داد یا در یمن و عراق و سوریه جنگید. هر چند که هزینه احیای دریاچه بسیار کمتر از هزینه‌ی جنگ تنها در یمن است. اما برای جمهوری اسلامی این مهم نیست. به اعتراف برخی از رسانه‌های چاپ ایران، اگر شرایط دریاچه ارومیه که تقریباً خشک شده است بر همین منوال ادامه یابد، دیری نخواهد پایید که خشک شدن دریاچه ارومیه به یک معضل بزرگ زیست‌محیطی تبدیل شده و تمام منطقه را تحت‌تاثیر خود قرار دهد. از خشک شدن تالاب‌های بسیار با ارزشی همچون هورالعظیم و مانند آن نیز فعلاً بگذریم.

اما جدا از "صندوق توسعه ملی"، ۱۴/۵ درصد از فروش نفت و گاز سهم شرکت ملی نفت و ۳ درصد سهم مناطق نفت و گاز خیز است. به عبارت دیگر از میزان فروش نفت و گاز چیزی حدود ۴۲/۵ درصد به خزانه واریز می‌شود.

در رابطه با واردات کالاهای اساسی دو نکته مهم وجود دارد. اول این‌که ۱۳/۵ میلیارد یورو پاسخگوی نیاز ارزی واردات کالاهای اساسی و نیازهای درمانی و پزشکی نیست و این خود یک معضل بزرگ است. به‌گفته‌ی مدیرکل امور تجارت خارجی بانک مرکزی (خبرگزاری فارس ۳۰ بهمن ۱۴۰۱) جدا از نیازهای ارزی اقلام دارویی و تجهیزات پزشکی، تنها ارز مورد نیاز کالاهای اساسی در سال گذشته بیش از ۱۸ میلیارد دلار بوده است.

دوم این‌که اگرچه در لایحه بودجه یک یورو معادل ۳۱ هزار تومان (دلار ۲۸۵۰۰ تومان) در نظر گرفته شده است، اما براساس برنامه پنجساله هفتم که سال ۱۴۰۳ می‌باید اولین سال آغاز آن باشد، دلار نیمایی باید جای خود را به نرخ دلار مرکز مبادله طلا و ارز بدهد که هم اکنون یک دلار برابر با ۳۷۵۰۰ تومان است. بنابراین باید منتظر ماند تا در بازی مجلس و کابینه در نهایت نرخ ارز برای واردات کالاهای اساسی ۳۰

## لایحه بودجه ۱۴۰۳، انقباضی برای توده مردم، انبساطی برای حاکمان

### ترازنامه ۵۰ روز جنگ در غزه

نخواهد کرد." لایحه آنچه در مخیله دارو دسته نتانیاو و متحدانش می‌گذرد، استقرار یک حکومت نظامی اسرائیلی بر غزه ویران شده است. چراکه از دیدگاه کابینه نژادپرست اسرائیل، همه گروه‌های فلسطینی، حتی جناح فتح هم تروریست‌اند. اما این خیال‌بافی امثال نتانیاو هست که می‌پندارند، جنگ غزه و اشغال آن " آخرین جنگ برای پایان دادن به همه جنگ‌ها" است.

خیر این " آخرین جنگ برای پایان دادن به همه جنگ‌ها" یعنی ختم مسئله فلسطین نخواهد بود. برخلاف تخیلات نژادپرستان اسرائیلی، ملت فلسطین به گواه مقاومت و مبارزه خود در طول چندین دهه گذشته، نابودشدنی نیست. علاوه بر این، تمام تحولات اخیر در جنگ غزه بیش از هر زمان دیگر ماهیت دولت اسرائیل را در مقیاس جهانی به‌عنوان رژیم اشغالگر، نژادپرست و بی‌رحم برملا کرد و امروز فراتر از هر زمان دیگر این مسئله روشن شده است که تمام تلاش اسرائیل برای نابودی مردم فلسطین و ختم مسئله فلسطین و از این طریق تأمین امنیت اسرائیل، به شکست کامل انجامیده است. برای بخش بزرگی از مردم اسرائیل هم در جریان همین تحولات روشن شد که مادام مسئله فلسطین حل نشود، آرامش و امنیتی در کار نخواهد بود. تنها راهی که برای حل نزاع فلسطینی- اسرائیلی همچنان باقی است، پذیرش خواست مردم فلسطین برای تشکیل یک کشور مستقل فلسطینی بر اساس مصوبه سال ۱۹۴۷ سازمان ملل است. تنها به رسمیت شناختن حق مردم فلسطین بر سرنوشت خویش است که می‌تواند بساط گروه‌های ارتجاعی اسلام‌گرا و حامیان آن‌ها از نمونه جمهوری اسلامی ایران نیز از جنبش مردم فلسطین برچیده شود.

شرکت‌ها و موسسات انتفاعی وابسته به دولت موظف شده‌اند تا یک درصد از هزینه‌های خود را صرف ترویج فرهنگ اسلامی، شهادت، فرزندآوری، امور قرآنی و مطبوعاتی کنند که با توجه به عملکرد مالی آن‌ها در سال جاری این رقم حداقل ۳۵ هزار میلیارد تومان خواهد بود که عمدتاً به دستگاه مفت‌خور روحانیت تزریق می‌شود.

وضعیت مالی رژیم با توجه به هزینه‌های سرسام‌آور دستگاه دولتی بویژه بخش نظامی و دستگاه سرکوب و روحانیت، آن‌چنان وخیم است که با تصویب طرح‌هایی بی‌سابقه در تمام دنیا، همچون دریافت ۱۰ یورو از هر مسافر پرواز خارجی، می‌خواهند به هر شکل هزینه‌های مالی دستگاه فاسد و جنایتکار خود را تأمین کنند.

بنابراین اگر افزایش هزینه‌های نظامی و بازوهای سرکوب رژیم، غارت درآمدهای نفتی تحت‌عنوان "صندوق توسعه ملی" و موارد برشمرده در بالا را در یک طرف در نظر بگیریم، و در طرف دیگر مواردی همچون: افزایش ۱۸ و ۲۰ درصدی حقوق شاغلان و بازنشستگان در برابر نرخ رسمی ۴۵ درصدی تورم، افزایش مالیات از جمله مالیات غیرمستقیم، افزایش احتمال نرخ برابری دلار و ریال برای واردات کالاها اساسی و درمانی، افزایش تنها ۱۵ درصدی یارانه در برابر تورم ۴۵ درصدی که می‌تواند از جمله موجب افزایش قیمت و یا کمبود نان یارانه‌ای و نیز دارو و دیگر نیازهای درمانی شود، به‌روشنی خواهیم دید که لایحه بودجه ۱۴۰۳ برای توده‌های مردم انقباضی و برای حاکمان انبساطی است. بودجه‌ی ۱۴۰۳ به معنای کامل کلمه حتماً بسیار بدتر از بودجه سال جاری و سال‌های گذشته علیه کارگران و زحمتکشان تهیه شده و در واقع نه "بودجه انقباضی" بلکه "بودجه ریاضتی" برای توده‌های کار و زحمت است که دیگر چیزی در سفره‌های‌شان باقی نمانده است.

تنها راه کارگران و زحمتکشان برای رهایی از این وضعیت دهشتناک که هر روز سیاه‌تر می‌شود، سرنگونی حکومت و تغییر مناسباتی‌ست که مسبب اصلی این شرایط دهشتناک هستند. با برقراری حکومت شورایی نه تنها جهت‌گیری سیاست‌های اقتصادی به نفع توده‌ی کار و زحمت تغییر خواهند کرد، بلکه حکومت شورایی با ایجاد دولتی کیفیتاً متفاوت با دولت‌های سرمایه‌داری، دولتی ارزان قیمت را جایگزین دولت کنونی می‌کند. دولتی سنگین و پرهزینه با انواع نهادهای بوروکراتیک، مذهبی و نظامی که گاه حتماً به صورت موازی با هم قرار دارند، جای خود را به دولتی می‌دهد که حقوق منتخبان آن از متوسط حقوق کارگران بیشتر نباشد.

درصد افزایش یابد که بدون تردید تأثیر زیادی بر افزایش بهای کالاها (و نه فقط کالاها اساسی و پزشکی) خواهد گذاشت. همان‌طور که در جریان "جراحی اقتصادی"، حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی برای کالاها اساسی منجر به افزایش بهای سایر کالاها نیز شد.

یکی دیگر از چاه‌های ویل بودجه ۱۴۰۳، درآمدهایی‌ست که از طریق فروش اوراق قرضه پیش‌بینی شده است. در لایحه بودجه، فروش ۲۵۵ هزار میلیارد تومان اوراق قرضه پیش‌بینی شده که ۳۶ درصد از بودجه ۱۴۰۲ بیشتر است. نکته مهم‌تر این‌که در سال‌های اخیر به دلیل عدم استقبال از اوراق قرضه، در نهایت بانک‌ها موظف به خرید اوراق شدند که این موضوع بحران ورشکستگی بانک‌ها را پیچیده‌تر کرد و حتا در تشدید رکود تأثیر گذاشت.

یکی از موارد بسیار موزیانه در لایحه بودجه ۱۴۰۳ این است که "به دولت این اختیار داده می‌شود تا تعرفه خدمات دولتی را به پیشنهاد دستگاه ذریع و تأیید سازمان برنامه و بودجه متناسب‌سازی نماید". بدین ترتیب کابینه هر وقت که خواست و بدون این‌که نیازی به مصوبه مجلس داشته باشد، می‌تواند هزینه‌های خدمات خود را که همچنین شامل برق، گاز و آب می‌شود افزایش دهد. در واقع تنها هدف این بند از بودجه، خالی‌تر کردن جیب توده مردم به نفع دولت است.

افزایش ۵۰ درصدی درآمدهای مالیاتی یک معضل دیگر است که تأثیر خود را بر گسترش فقر و تورم خواهد گذاشت. از یک سو با توجه به رکود اقتصادی که در سال‌های اخیر تشدید شده و کاهش قدرت خرید، افزایش درآمدهای مالیاتی جای سوال دارد. از سوی دیگر در سیستم کنونی، عمده درآمدهای مالیاتی مستقیم و غیرمستقیم از جیب کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه تأمین می‌شود. چه افزایش مالیات غیرمستقیم که نام ارزش افزوده بر آن نهاده‌اند و در سال آینده از ۹ درصد به ۱۰ درصد افزایش خواهد یافت و چه مالیات‌هایی که مستقیم از حقوق کارگران و زحمتکشان برداشته می‌شود. حتا مالیات‌هایی که به اشکال گوناگون از سرمایه‌داران گرفته می‌شود در سیستم کنونی در نهایت با افزایش بهای کالاها و خدمات از توده مردم ستانده می‌شود. این را هم در نظر داشته باشیم که افزایش مالیات در رکود اقتصادی فلج‌کننده کنونی منجر به ورشکستگی هرچه بیشتر کسبه خرد و کارگاه‌های کوچک و در نتیجه افزایش فقر و بیکاری و همچنین تشدید رکود می‌گردد. این نکته مهم است که کاهش تقاضا و قدرت خرید توده مردم، به طور مستقیم بر تشدید رکود تأثیر می‌گذارد.

یکی دیگر از مواردی که هزینه‌های آن بر بودجه سالانه تحمیل می‌شود دستگاه مفت‌خور روحانیت است که بویژه در دو سال اخیر عرصه‌ی جدیدی برای دزدی و مفت‌خوری پیدا کرده‌اند. از آموزش و پرورش تا بانک مرکزی و شورای فقهی آن. در لایحه‌ی بودجه ۱۴۰۳ نیز بانک‌ها،



## سایه اشغال‌گری اسرائیل و ارتجاع اسلامی بر زندگی زنان فلسطین



درصد زیر ۱۸ سال است. غزه بالاترین نرخ بیکاری در جهان را داراست. نرخ بیکاری در غزه ۴۷ درصد و در کرانه باختری ۱۴ درصد است. زنان ۱۹ درصد جمعیت شاغل را تشکیل می‌دهند. ۱۱ درصد زنان تنها سرپرست و نان آور خانواده شان هستند و از این تعداد، ۲۰ درصد در فقر مطلق به سر می‌برند.

### ارتجاع اسلامی

علاوه بر تأثیرات اشغال‌گری اسرائیل، قدرت‌گیری حماس در نوار غزه، ابعاد ستم و تبعیض علیه زنان را تشدید کرده است. حجاب اجباری، چند همسری، کاهش سن ازدواج، ممنوعیت موسیقی و جشن و تفریح، احکام و قوانین شرعی و تبعات تبعیض آمیز آن از جمله پی آمدهای حاکمیت گروه‌های ارتجاعی اسلامی برای زنان است. ازدواج زیر ۱۸ سال طی سال‌های اخیر در نوار غزه به ۳/۱۹ درصد و در کرانه باختری ۳/۴ درصد رسیده است. اقدامات حماس برای اسلامیزه کردن منطقه تحت کنترلش، منجر به تقویت سنن ارتجاعی و زن ستیزانه، گسترش تجاوز، سوء استفاده جنسی، خشونت فیزیکی علیه زنان شده است. علاوه بر این، سنن و قوانین ارتجاعی، اشتغال زنان بویژه زنان مطلقه و بیوه را که در فقر و فاقه به سر می‌برند، منع کرده و آنها را به فقر و فلاکت بیشتر کشانده است.

زنان فلسطین در دهه‌های اخیر به اشکال مختلف در مقابل سیاست‌های رژیم آپارتاید و اشغالگر اسرائیل به مبارزه و مقاومت برخاسته‌اند. این مبارزه در مقاطعی تأثیرگذارتر بوده است که جنبش فلسطین توسط نیروهای مترقی و چپ نمایندگی می‌شد و زنان نقش برجسته‌ای در آن ایفا می‌کردند. تاریخ جنبش انقلابی فلسطین سرشار از مبارزات قهرمانانه این زنان است. اما با تضعیف نیروهای چپ و تقویت جریان‌های بورژوازی و اسلامی در جنبش فلسطین، جنبش توده‌ای انقلابی زنان نیز تضعیف شد. روی کار آمدن گروه‌های اسلامی تحت حمایت جمهوری اسلامی در فلسطین نیز این امر را تشدید کرد. گرچه مبارزه و مقاومت زنان فلسطین با زندگی روزمره آنان پیوند خورده، اما خلاء یک آلترناتیو انقلابی که زنان در آن نقش برجسته‌ای داشته باشند، مبارزه برای برقراری صلح واقعی و رفع کلیه تبعیضات را با موانع جدی روبرو کرده است.

جراحی، منوط به دریافت مجوز است. طبق آمار سازمان بهداشت جهانی، اسرائیل با ۳۰ درصد از تقاضاهای بیماران برای دریافت برگه عبور مخالفت می‌کند. زنانی که برای بیماری‌های خطرناک و سخت مجوز عبور دریافت می‌کنند، نمی‌توانند فردی را به عنوان همراه با خود ببرند و مجبورند تنهایی برای درمان سفر کنند. چنانچه فردی همزمان چند بیماری داشته باشد، هر بار تنها برای درمان یکی از بیماری‌ها مجوز عبور دریافت می‌کند. زایمان زنان در صف ایست‌های بازرسی و یا در آمبولانس به یکی از پییده‌های رایج تبدیل شده است. بسیاری از بیماران به علت عدم دسترسی به موقع به امکانات پزشکی، جان خود را از دست می‌دهند. استرس و فشارهای روانی در بین زنان بی‌داد می‌کند. بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی ۷۰ درصد زنان در غزه مبتلا به مشکلات روحی و افسردگی هستند. بیشترین عده را زنانی تشکیل می‌دهند که مورد حمله و ضرب و شتم نیروهای نظامی اسرائیل قرار گرفته و مجبور به ترک خانه‌هایشان شده‌اند.

با این وجود زنان نقش مهمی در مبارزه علیه حملات ساکنین شهرک‌های یهودی نشین دارند و طی سال‌های گذشته بارها مقاومت و ایستادگی نشان داده‌اند. سال گذشته در جریان حمله و خشونت فیزیکی شهرکنشینان، زنان گروه‌های مقاومت تشکیل داده و به مدت ۱۵۰ شب و روز



در تپه‌های اطراف کشیک دادند اما سرانجام پلیس اسرائیل با آتش گشودن به روی آنها، ده‌ها تن را مجروح و شمار زیادی از زنان و کودکان را بازداشت و زندانی کرد. یک سال پیش‌تر از آن نیز کمپینی به نام «ما غزه را دوباره خواهیم ساخت» براه افتاد. زنان، کمیته‌های محلی سازماندهی کردند تا از خانه‌های خود در مقابل حملات احتمالی محافظت کنند.

علاوه بر این زنان فلسطینی طی سال‌های گذشته در اتحاد با گروه‌های زنان اسرائیلی، کمیته‌های مشترک تشکیل داده و با راه پیمائی‌های شبانه برای تبلیغ صلح پایدار و برسمیت شناختن دو کشور و دو دولت فعالیت می‌کنند.

اشغال‌گری، آپارتاید، سرکوب سیستماتیک و جنگ‌هایی که هر چند وقت یک بار زندگی مردم فلسطین را شخم می‌زند، وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان را روز به روز شکننده‌تر از قبل کرده است. فقر و بیکاری در فلسطین بیداد می‌کند. از ۵ میلیون جمعیت مناطق اشغالی، ۴۴

موقتاً اسکان یافته‌اند که اکثریت آنان را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند. تعداد زنان باردار در غزه ۱۵۰ هزار تن برآورد شده که روزانه ۱۸۰ تن از آنان در زیر بمباران بی‌وقفه و بدترین شرایط زیستی و بهداشتی زایمان می‌کنند. آمار مرده زانی و زایمان زودرس ناشی از استرس در میان زنان آواره‌ای که از شمال غزه راهی جنوب شده‌اند، افزایش یافته است.



اما وخامت اوضاع و شرایط دهشتناک زنان فلسطینی تنها محدود به جنگ کنونی نیست. دهه‌هاست که زندگی زنان فلسطینی دستخوش پی‌آمدها و عواقب دهشتناک سیاست‌های اشغال‌گرانه دولت اسرائیل از یک سو و حاکمیت ارتجاع اسلامی از سوی دیگر شده است.

### اشغال‌گری اسرائیل

اخیرا سازمان ملل با همکاری چند نهاد و موسسه بین‌المللی از جمله سازمان بهداشت جهانی و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل گزارش مبسوطی از وضعیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان فلسطینی طی سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ منتشر کرده است. طبق این گزارش، زندگی روزمره زنان در مناطق اشغالی به اشکال مختلف و همواره با خشونت سربازان و نیروهای نظامی اسرائیلی همراه بوده است.

یکی از نمونه‌های این خشونت مستمر، حملات وحشیانه ساکنین مسلح شهرک‌های یهودی نشین به زنان و کودکان فلسطینی است. در سال ۲۰۲۱ ساکنین این شهرک‌ها ۳۵۶ بار به زنان فلسطینی حمله و ده‌ها تن را مجروح کرده‌اند. دهه‌ها اشغال‌گری با مجموعه‌ای از سیاست‌ها و اقدامات سرکوبگرانه برای «مجازات دسته جمعی» مردم فلسطین و بویژه زنان همراه بوده است. مردم فلسطین از داشتن امکانات اولیه محروم‌اند. ۹۷ درصد آب آشامیدنی که مردم فلسطین استفاده می‌کنند فاقد استانداردهای بهداشتی است. در نبود زیرساخت‌های لازم و ممنعت اسرائیل از ساخت بیمارستان، مردم ساکن غزه مجبورند برای درمان به کرانه غربی سفر کنند، اما محدودیت تردد، بویژه برای زنان و کودکان مشکلات عدیده‌ای به وجود آورده و زندگی و سلامت آنها را به مخاطره انداخته است. اسرائیل با راه‌اندازی بیش از ۶۰۰ ایست بازرسی، رفت و آمد ساکنین را شبانه روز کنترل می‌کند. عبور از ایست‌های بازرسی و استفاده از امکانات درمانی و بیمارستان برای انجام عمل‌های



## جدال زنان علیه حجاب اجباری و استیصال جمهوری اسلامی

اسلامی را به استیصال و درماندگی کشانده اند. آنچه جمهوری اسلامی را در مقابله با زنان به شکست و درماندگی کشانده است، همانا شیوه های متنوع مبارزاتی زنان در مقابله با حجاب اجباری است. از جمله اشکال متنوع مبارزات زنان که عموماً بدون حجاب اسلامی در خیابان و فروشگاه و پارک و دیگر اماکن عمومی ظاهر می شوند، حضور بدون پوشش اسلامی آنان در جشن های رسمی فارغ التحصیلان دانشگاهی، مراسم اهدای جوایز به پزشکان نمونه و دیگر جشن های نسبتاً رسمی است که گاه و بیگاه از طرف حاکمیت و مسئولان استانی در نقاط مختلف کشور برگزار می شود.

جدیدترین نمونه از برگزاری اینگونه جشن های رسمی که زنان با پوشش اختیاری در آن حضور یافته اند، جشن فارغ التحصیلی دانش آموزان دانشگاه شریف در پردیس بین المللی کیش است. ماجرابی که از نظر حاکمیت "هنجارشکنانه" تلقی شد و از این منظر طی روزهای گذشته بلوایی را در میان نیروهای سرکوبگر رژیم ایجاد کرده است.

ماجرای آنگونه که در خبرها آمده است، مربوط به جشن فارغ التحصیلی دانش آموزان دانشگاه کیش است که روز پنجشنبه ۲۵ آبان در پردیس بین المللی کیش وابسته به دانشگاه صنعتی شریف برگزار گردید. یک روز بعد از برگزاری این مراسم، ویدئوی کوتاهی به صورت گسترده در شبکه های اجتماعی به گردش درآمد که در آن اکثریت دانش آموزان شرکت کننده در این جشن با لباس و کلاه فارغ التحصیلی و بدون حجاب اجباری در جایگاه تقدیرایستادند و رسماً مورد تجلیل قرار گرفتند. انتشار این ویدئوی کوتاه، که فقط لحظاتی از برگزاری این مراسم رسمی را ثبت و بیرونی کرده است، محتملاً با صحنه های دیگری از این دست که دختران دانشجو و دانش آموزان این دانشگاه بدون پوشش اسلامی در کنار هم قرار گرفته باشند، همراه بوده است. با وجود این و به رغم اینکه رئیس دانشگاه پردیس کیش، نماینده خامنه ای و دیگر مسئولان منطقه ای در این جشن حضور داشتند، اما تا پیش از انتشار این ویدئو آب از آب تکان نخورد و هیچ موضوع خاص و نگران کننده ای هم در طی برگزاری مراسم اتفاق نیفتاد. اما با گذشت یک روز و پس از آنکه این ویدئو در شبکه های اجتماعی دست بدست گشت، به یکباره خشم و سراسیمگی حاکمیت را فرا گرفت و این اقدام "هنجارشکنانه" دانشجویان همانند آبی که در خوابگاه مورچگان ریخته باشند، فریاد "سیل آمد" ارتجاع حاکم را برانگیخت.

ابتدا مزدوران حزب الهی نسبت به این حرکت دانش آموزان پردیس کیش در محوطه دانشگاه شریف اجتماع کرده و خواهان استعفاي رئیس دانشگاه شدند. دو روز بعد، علی سلک غفاری، رئیس دانشگاه پردیس کیش با انتشار بیانیه ای استعفاي خود را اعلام و با "ابراز تأسف" از وضعیت پیش آمده از همه "مسئولان دلسوز جمهوری اسلامی" عذرخواهی کرد.

پنج روز بعد، رسول جلیلی، رئیس دانشگاه صنعتی شریف نیز با دستور محمد علی زلفی گل، وزیر علوم از سمت خود برکنار شد. رسول جلیلی در حالی از مقام ریاست این دانشگاه برکنار شد که کمتر از دو سال پیش در ۱۷ اسفند ۱۴۰۰، با حکم علی خامنه ای به عنوان "عضو حقیقی" شورای عالی فضای مجازی منصوب شده بود. او که اکنون اینگونه مورد غضب حاکمیت قرار گرفته است از جمله سرسپردگان جمهوری اسلامی و یکی از مهره های کلیدی این رژیم در "سرکوب دیجیتال" جامعه در سال های گذشته بوده و به این خاطر در لیست تحریم های آمریکا نیز قرار گرفته است.

مشابه آنچه در ۲۵ آبان در جشن فارغ التحصیلی دانش آموزان پردیس دانشگاه شریف در کیش اتفاق افتاد، پیشتر به هنگام اهدای لوح تقدیر به فاطمه رجائی راد - پزشک جراح نمونه - در آمل نیز رخ داده بود. در مراسم جشنی که برای این امر در پنجم آبان سال جاری برگزار شد، فاطمه رجائی نیز بدون حجاب و با پوشش اختیاری در مراسم تقدیر از خود حضور یافت. این اقدام جسورانه او واکنش های تند و تیزی را در سطح مسئولان استانی و کشوری برانگیخت. مسئولان محلی از نماینده خامنه ای گرفته تا مقامات قضایی و نیروهای امنیتی، جملگی او را تکفیر کرده و خواهان "برخورد شدید" با او شدند. در اولین اقدام، مطب این پزشک تعطیل و خودش هم به دادستانی احضار و برای ساعاتی بازداشت و مورد ضرب و شتم هم قرار گرفت. در ادامه آن ماجرا، سه تن از مقام های دانشگاه علوم پزشکی استان مازندران به دلیل حضور در این مراسم و عدم واکنش به حضور بدون حجاب فاطمه رجائی راد، به هیأت تخلفات اداری علوم پزشکی بابل احضار شدند. فرزاد قاسمی، متخصص قلب و عروق و رئیس بیمارستان خمینی آمل نیز صرفاً به دلیل اینکه محل کار پزشکی فاطمه رجائی در این بیمارستان بود، از مقام خود برکنار شد. تالار برگزاری جشن پلمپ و تعداد دیگری از مسئولان استانی نیز توبیخ شدند. نتیجه این همه بگیر و ببند و سرکوب چه شد؟ جز اینکه ۲۰ روز بعد، ماجرابی به مراتب بزرگتر و دامنه دارتر از جشن اهدای لوح تقدیر به پزشک آملی، در جشن فارغ التحصیلی دانش آموزان پردیس بین المللی دانشگاه شریف در کیش رخ داد. در واقع، اتفاقات رخ داده تنها تصویر کوچکی از آئینه تمام نمای مبارزات جاری زنان در جامعه است. مبارزاتی که این چنین بی محابا خشم حاکمیت را برانگیخته است.

همین چند هفته پیش بود که مزدوران به اصطلاح "حجاب بان" جمهوری اسلامی آرمینا گراوند را در متروی تهران کشتند، اما نتیجه چه شد؟ آیا از تعداد زنان و دختران بی حجاب در مترو و خیابان های تهران کاسته شد؟ مجموعه فیلم ها و گزارش های روزانه ای که منتشر می شوند، جملگی از ادامه حضور پر تعداد زنان، بویژه دختران جوان با پوشش اختیاری در مترو و خیابان و دیگر اماکن عمومی سخن می گویند.

وضعیت جامعه در یک سال گذشته به سمتی رفته است که پوشیدن مانتو در شهرهای بزرگ بکلی برافتاده و فروشگاه های مانتو مجبور به تغییر کاربری کارشان شده اند.

اگرچه خواست مبارزاتی زنان بسیار فراتر از نفی حجاب اجباری است، اما تداوم مبارزات تا کنونی آنان در نفی حجاب اسلامی واکنش های عصبی و هیستریکی را در سطوح مختلف مقامات جمهوری اسلامی برانگیخته است. واکنش هایی که به روشنی شکست حاکمیت را در مقابله با مبارزات زنان بازتاب داده است. نمونه های دیگری از این درماندگی هیأت حاکمه را می توان در واکنش های وزیر کشور و شهرداری تهران نسبت به موضوع گسترش "حجاب بانان" در مترو و همچنین دستورالعمل جدید محسنی اژه ای به نیروهای امنیتی جهت مقابله با گسترش "ناهنجاری و بی عفتی" در جامعه [بخوان حق پوشش اختیاری] زنان دید.

احمد وحیدی روز چهارشنبه اول آذر در پاسخ به سوال خبرنگاری که از او پرسید آیا "حجاب بانان" حاضر در مترو مجوز وزارت کشور را دارند یا نه، به صراحت گفت: از طرف وزارت کشور مجوزی برای آنان صادر نشده است. اما از آنجا که "حجاب بانان" جزو "نیروهای مردمی" هستند، نیاز به مجوز ندارند. این اظهار نظر او واکنش شورای شهر تهران را برانگیخت و روز بعد یک عضو شورای شهر در پاسخ به سخنان او گفت، اگر به گفته وزیر کشور "حجاب بانان" جزو "نیروهای مردمی" هستند، پس در این صورت حتماً لازم است که مجوز داشته باشند. علاوه بر وزیر کشور، شهرداری تهران هم اعلام کرده که مجوزی برای حضور "حجاب بانان" در متروی تهران صادر نکرده است. در واقع به دلیل سابقه مرگ مهسا امینی و آرمینا گراوند که اولی بدست نیروهای گشت ارشاد و دومی توسط مزدوران به اصطلاح "حجاب بان" کشته شدند، هیچ بخشی از حاکمیت حاضر نیست مسئولیت حضور این جانیمان آدمکش را در مترو تهران قبول کنند.

از طرف دیگر رئیس دستگاه آدمکشی جمهوری اسلامی هم بعد از ماجرای جشن فارغ التحصیلی دانش آموزان پردیس کیش و فراتر از آن در پی استیصالی که حاکمیت را فرا گرفته است، از نیروهای امنیتی و اطلاعاتی خواسته تا نیروی خود را روی کشف و معرفی پشت پرده ترویج "ناهنجاری و بی عفتی" متمرکز کنند. محسنی اژه ای همچنین با تأکید بر بحران درونی حاکمیت در مواجهه با معضلات اجتماعی گفت: "دشمن می خواهد انرژی ها صرف او نشود و این انرژی در داخل مصرف شود؛ برای همین می بینیم در برخی مواقع امروز بچه های انقلابی یکدیگر را تخریب می کنند."

استیصال و شکست جمهوری اسلامی در مقابله با مبارزات زنان، هیأت حاکمه را بر آن داشته تا با گسترش سرکوب و ایجاد انواع ناامنی در جامعه، عملاً شکست و ناتوانی خود را از دید عمومی پنهان سازد. بسیج گله های حزب الهی در خیابان ها، حضور پر تعداد "حجاب بانان" در مترو و صدور دستورالعمل های امنیتی و سرکوبگرانه دستگاه قضایی، عملاً فضای جامعه را ملتهب و زمینه را برای گسترش اعمال انواع





## دستگاه آدمگشی جمهوری اسلامی باز هم جنایت کرد

میلاذ زهره و نند از بازداشت‌شدگان جنبش انقلابی "زن، زندگی، آزادی" سحرگاه امروز دوم آذرماه در زندان مرکزی همدان به‌طور مخفیانه و بدون اعلام قبلی اعدام شد. میلاذ زهره و نند، ۲۰ ساله و اهل ملایر، در روز چهارشنبه ۴ آبان ماه سال گذشته در چهلیم جان باختن ژینا امینی در جریان اعتراضات مردمی شهر ملایر توسط مزدوران امنیتی سپاه پاسداران بازداشت شد. میلاذ، پس از بازداشت، در بی دادگاه آدمگشی جمهوری اسلامی با اعمال نفوذ جانیان سپاه پاسداران و سناریوی ساختگی قتل "یک نیروی حکومتی" به اعدام محکوم شد. حکمی که در سحرگاه امروز توسط جانیان جمهوری اسلامی به اجرا درآمد.

بنا بر خبر منتشرشده در خبرگزاری هه نگاو، سپاه پاسداران پیکر میلاذ زهره و نند را به گروگان گرفته و با اعمال فشار بر خانواده‌اش اعلام کرده‌اند، تنها در صورتی پیکر میلاذ را تحویل خواهند داد که مراسم خاکسپاری او در ملایر برگزار نشود.

باجود اینکه یک سال از خیزش و قیام و نبردهای خیابانی جنبش انقلابی نیمه دوم ۱۴۰۱ گذشته است، اما هنوز قدرت و شکوه و عظمت آن جنبش سراسری، همانند کابوسی خواب را از چشمان جمهوری اسلامی گرفته است. بهرغم اینکه جنبش انقلابی "زن، زندگی، آزادی" در عرصه کارزار خیابانی فروکش کرده است، اما جمهوری اسلامی از برپایی جنبشی سهمگین‌تر و توفنده‌تر از جنبش انقلابی سال قبل آن‌چنان هراسناک است، که اعمال سرکوب و اعدام و بگیروبیند را تنها راه نجات خود از وضعیت موجود می‌داند.

در این میان، روند مبارزاتی زنان، کارگران، معلمان، بازنشستگان و عموم توده‌های مردم ایران به‌روشنی نشان داده است که جمهوری اسلامی رفتنی است و سرکوب و اعدام فرزندان دلاور و قهرمان مردم بپا خاسته، قادر به نگهداری این حاکمیت مستبد و ارتجاعی و خون‌آشام نیست.

سازمان فدائیان (اقلیت) با ابراز انزجار شدید از قتل حکومتی میلاذ زهره و نند، تنها راه توقف کشتار و اعدام را سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی می‌داند.

سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن اعلام همدردی عمیق با خانواده میلاذ زهره و نند - این جان فشانده جنبش انقلابی "زن، زندگی، آزادی"، عموم توده‌های مردم را به تشدید و گسترش هرچه بیشتر مبارزه برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی فرامی‌خواند.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی**

**نابود باد نظام سرمایه‌داری**

**زنده‌باد آزادی - زنده‌باد سوسیالیسم**

**سازمان فدائیان (اقلیت)**

**۲ آذر ۱۴۰۲**

**کار، نان، آزادی - حکومت شورایی**

## جدال زنان علیه حجاب اجباری و استیصال جمهوری اسلامی

خشونت علیه زنان حتی در چهارچوب خانواده نیز مهیوتر کرده است. وقوع انواع قتل‌های ناموسی، درگیری‌های خونین خانوادگی، انتقام جویی‌های کور در ابعادی عمومی و سراسری از جمله تبعات اولیه و فاجعه‌بار ترویج ارتجاعی فرهنگ پدر-مرد سالارانه، تئوکراتیک و زن‌ستیزانه ی بنیادین حاکمیت در جامعه است. سیاستی که علاوه بر سرکوب حکومتی، افکار ارتجاعی درون جامعه را تقویت، خشونت عمومی علیه زنان را ترویج و در نهایت دست مردان را برای کشتن زنان تحت لوای "قتل‌های ناموسی" باز گذاشته است.

تازه‌ترین نمونه از اینگونه قتل‌های فجیع بدست مردان متأثر از فرهنگ ارتجاعی و زن‌ستیز جمهوری اسلامی، ماجرای قتل سه زن در کرمانشاه است که در تاریخ ۲۸ آبان ۱۴۰۲ بوقوع پیوست. مردی ۵۲ ساله که بی‌شک خود نیز قربانی و پرورش یافته همین فرهنگ ارتجاعی و زن‌ستیزانه جمهوری اسلامی است، به دلیل اختلافات خانوادگی و از منظر انتقام جویی به بهانه دیدن فرزندش که نزد مادرش بود، به خانه همسر سابق خود رفته، ابتدا با خوراندن آبیومه آلوده به سم، مادر زن، خواهر زن و همسر سابقش را بی‌هوش و سپس با شلیک گلوله هر سه آنان را به قتل رسانده است.

آنچه در کرمانشاه اتفاق افتاد و آنچه پیش از این نیز بارها و بارها تحت لوای "قتل‌های ناموسی" در جامعه صورت گرفته است، جملگی نتیجه بلافصل اعمال سیاست‌های ارتجاعی و زن‌ستیزانه جمهوری اسلامی علیه زنان در ۴۴ سال گذشته است. مبارزات دلاورانه زنان در نفی حجاب اجباری و جدال تاکتونی آنان با جمهوری اسلامی اگرچه دست به نقد با نفی حجاب اجباری هیأت حاکمه را به استیصال و خشم و درماندگی کشانده است، اما باید توجه داشت اگر این نبرد دلاورانه زنان با مبارزات استراتژیک آنان یعنی نفی کامل تمام اشکال ستم و نابرابری و تبعیضات جنسیتی حاکم بر جامعه دینی و پدر-مرد سالارانه برگرفته از نظم طبقاتی موجود نبرد نخورد، حتی اگر جمهوری اسلامی سرنگون شود و زنان از حجاب اجباری هم رهایی یابند، با باقی ماندن مناسبات سرمایه‌داری موجود باز هم رهایی کامل آنان متحقق نخواهد شد.

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت**

## جدال زنان علیه حجاب اجباری و استیصال جمهوری اسلامی

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)  
نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب  
بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه  
کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های  
سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

[https://www.fadaian-  
minority.org](https://www.fadaian-minority.org)

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان  
(اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>  
آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)  
آدرس سازمان در اینستاگرام:

[https://www.instagram.com/  
fadaianaghaliyat/](https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/)

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

[https://www.facebook.com/  
fadaian.aghaliyat](https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat)

آدرس نشریه کار در فیس بوک

[https://www.facebook.com/  
kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 1046 November 2023

جدال نابرابر علیه زنان بوده است. در سوی دیگر این کشاکش و جدال روزانه انبوه زنان و دختران مبارزی ایستاده اند که به رغم فراز و فرود مبارزات سال‌های بلند سپری شده، دستکم در جریان جنبش انقلابی "زن، زندگی، آزادی"، ثمره شیرین بهره مندی از پوشش اختیاری را تجربه کرده اند. تجربه ای ارزشمند برای زنان ایران که دیگر تحت هیچ شرایطی حاضر نیستند با تن دادن به پوشش اجباری به روزهای قبل از شهریور ۱۴۰۱ باز گردند. این وضعیت و تداوم آن در جامعه انقلابی ایران شرایط ویژه ای را ایجاد کرده که به نظر می رسد هیچکدام از طرفین این جدال نابرابر حاضر به عقب نشینی از مواضع خود نیستند. در واقع به همان نسبت که نفی حجاب اجباری برای هیأت حاکمه غیر قابل تحمل است و برای تحمیل دوباره آن در گستره ای همگانی به تشدید انواع سرکوب علیه زنان روی آورده است، به همان نسبت و حتی فراتر از آن، زنان دلاور ایران نیز در تداوم نفی حجاب اجباری و حفظ دستاورد بزرگ جنبش انقلابی سال گذشته همچنان مقاوم و پابرجا ایستاده اند. این ایستادگی مبارزاتی زنان و نبرد دلاورانه آنان علیه حجاب اجباری و ناتوانی رژیم در مقابله با مطالبات به حق زنان عملاً جمهوری

در صفحه ۸

با گذشت یک سال از جنبش انقلابی "زن، زندگی، آزادی" و با وجود فروکش کردن خیزش و قیام و نبردهای خیابانی نیمه دوم سال قبل، مبارزات زنان اما کماکان به اشکال مختلف علیه جمهوری اسلامی ادامه دارد. مبارزه ای دلاورانه که به رغم خواست نفی انواع ستم و نابرابری و تبعیضات جنسیتی، عجالتاً روی نفی حجاب اجباری و دستیابی به حق پوشش اختیاری متمرکز شده است. مطالبه و خواستی که در روزهای اوج جنبش انقلابی سال گذشته با رقص و شادمانی و سوزاندن شال و روسری در شهرهای مختلف با حماسه آفرینی و از جان گذشتگی های در خور تحسین در جامعه مادیت یافت. آنچه را که زنان مبارز ما در جنبش انقلابی نیمه دوم ۱۴۰۱ در نفی حجاب اجباری بدست آوردند، آنچنان بزرگ و پر شکوه بود که نظام ارتجاعی حاکم بر ایران را تا حد مرگ به وحشت انداخت. آنهم حاکمیتی بغایت ارتجاعی و ضد زن که طی ۴۴ سال گذشته حجاب اسلامی را نه فقط به نماد ایدئولوژیک خود تبدیل کرده است، بلکه فراتر از آن با تحمیل حجاب اجباری عملاً زمینه های سرکوب عریان و عنان گسیخته علیه زنان و دیگر اقشار جامعه را فراهم کرد. اما لجام گسیختگی ارتجاع و تشدید سرکوب علیه زنان طی سالیان متمادی صرفاً یک سوی این



[tvshorashora@gmail.com](mailto:tvshorashora@gmail.com)

### تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای  
زحمتکش و ستم دیده ای است که برای  
آزادی و سوسیالیسم پیکار می کنند

### بینندگان تلویزیون دمکراسی شورایی، دوستان، رفقا و همراهان

تلویزیون دمکراسی شورایی در روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب و در روزهای سه شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم تا هشت شب به وقت ایران، برنامه های خود را به مدت ۹۰ دقیقه روی شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست پخش می کند .

برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی را همچنین می توانید در سایت سازمان فدائیان (اقلیت) و شبکه های اجتماعی فیسبوک، تلگرام، اینستاگرام و یوتوب نیز دنبال کنید.  
مشخصات تلویزیون دمکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید .  
مشخصات ماهواره های شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی

#### Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل تلویزیون دمکراسی شورایی: [tvshorashora@gmail.com](mailto:tvshorashora@gmail.com)

شماره تلفن : ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورایی